

پروژه ناتمام است

روشنفکری دینی و آینده آن

منبع: مجله مهرنامه، سال سوم، مهرماه ۱۳۹۱، شماره ۲۵

چنانکه پیشتر آورده ام، پروژه روشنفکری دینی دو دهه اخیر در نشان دادن نقشه راه موفق بوده و چارچوب کند و کاوهای روشنفکرانه خود در مصاف با مؤلفه های گوناگون سنت دینی را به نیکی تصویر کرده است.^۱ روشنفکران دینی، با تفکیک «دین» از «معرفت دینی»، از زمینی و بشری بودن معرفت دینی دفاع کرده، کثرت قرائت های مختلف از دین را به رسمیت شناخته؛ قرائت رسمی از دین را نقد کرده اند. در واقع ایشان با عنایت به آموزه های هرمنوتیکی جدید، تنوع قرائت های مختلف از دین را، به مثابه یک آموزه توصیفی^۲ پذیرفته، براین باورند که قائلان به هر قرائت باید ادله و شواهد خویش در دفاع از قرائت مختار خود را عرضه کرده و آنرا موجه کنند؛ هر چند گفتگو میان قاریان و قائلان به قرائت های مختلف از دین همچنان برقرار خواهد بود. به تعبیر دیگر، لازمه سخن ایشان نسبت گرایی معرفت شناختی^۳ و دفاع از محتوای معرفتی تمام قرائت های مختلف از دین نیست؛ از اینرو به نقد قرائت های سنتی، سنت گرایانه^۴ و بنیادگرایانه^۵ از دین همت گماشته و ادله خویش در این باب را عرضه کرده اند. اما تفاوت ایشان با منتقدان خصوصا بنیادگرای خود این است که در مقام تبیین چگونگی مواجهه انسانهای مختلف با پیشینه های معرفتی گوناگون، تعدد فهم های مختلف از دین را به رسمیت شناخته، بدون اینکه بر محتوای معرفتی همه آنها صحه بگذارند؛ در عین حال برای تقریر و دفاع از موضع خود، ادله خویش را اقامه کرده، به مثابه یک آموزه توصیه ای و هنجاری^۶، بر این باورند که «باید» قرائت رفرمیستی مدارا محور از دین را برگرفت و سایر قرائت ها را که از نظر ایشان ناموجهند، فرو نهاد.

۱. نگاه کنید به: سروش دباغ، «هم سهم دل، هم سهم عقل: روشنفکری دینی دهه نود»، مهرنامه ۱۹، شماره ۴؛ اکنون در: فکر نازک غمناک: جستارهایی در روشنفکری، اخلاق و عرفان؛ در دست انتشار

2. descriptive
3. epistemic relativism
4. traditionalistic
5. fundamentalistic
6. normative

علاوه بر این، ایشان با تفکیک «رابطه میان دین و سیاست» از «رابطه میان دین و حکومت»؛ بر اولی صحنه گذاشته و آنرا موجه می‌انگارند؛ حال آنکه با دومی بر سر مهر نیستند و رابطه هنجاری و حقوقی میان دین و حکومت را نقد و نفی می‌کنند. به تعبیر دیگر، مطابق با رأی ایشان، در یک جامعه دینی، به نحو طبیعی و غیر متکلفانه، ارزشهای اخلاقی و دینی جامعه در سیاست ورزی کنشگران سیاسی، چه در دوران مبارزات انتخاباتی، چه در امور مربوط به تقنین و قضا و چه در مدیریت کلان اجرایی کشور ریزش می‌کند؛ نه با عزم و جهد و برنامه ریزی قبلی جماعتی این ارتباط ایجاد می‌شود و نه از بین می‌رود و محو می‌شود. مثلاً، چنانکه این روزها شاهدیم؛ در مبارزات انتخاباتی آمریکا، مسئله سقط جنین و روایی و ناروایی آن از منظر اخلاقی و حقوقی، بدل به یکی از موارد اختلاف جدی دو حزب جمهوریخواه و دموکرات و کاندیداهای آنها شده است. یکی از روایی آن دفاع می‌کند و دیگری از ناروایی آن؛ روشن است که هر یک برای اخذ رأی بیشتر چنین می‌کند. اگر جامعه آمریکا، جامعه ای دینی نبود و قریب به نیمی از جمعیت این کشور دیندار نبودند؛ یکی از کاندیداها بر روی این مسئله انگشت تأکید نمی‌نهاد و سرمایه گذاری نمی‌کرد؛ اما چون بنا دارد نظر متدینان را جلب کند و رأی ایشان را در روز انتخابات با خود داشته باشد، بر ناروایی سقط جنین تأکید می‌کند. بر همین سیاق می‌توان گمانه زنی کرد که در کشوری مثل سوئد، این موضوع ارزش و اهمیت سیاسی ندارد و از امور قابل بحث در مبارزات انتخاباتی نیست؛ چرا که تعداد قابل توجهی از مردم تعلق خاطر و باور مذهبی ندارند و ناروایی اخلاقی سقط جنین از منظر دینی در تنظیم مناسبات روزمره ایشان اهمیت چندانی ندارد؛ از اینرو تأکید بر ناروایی اخلاقی آن مطابق با آموزه های دین مسیحیت، در منازعات سیاسی نقشی ایفا نمی‌کند؛ گویی رابطه میان دیانت و سیاست، بسان درختی است که بر خاک فرهنگ هر جامعه ای به نحو طبیعی می‌روید و نمی‌توان آنرا با شرایط گلخانه ای و مصنوعی نگه داشت و پرورش داد و مدیریت کرد. در عین حال، هر چند رابطه حقیقی میان دین و سیاست در جامعه آمریکا پررنگ است؛ رابطه حقوقی و هنجاری میان دین و حکومت منتفی است و سیاستمداران، مشروعیت سیاسی خود را نه از دین که از آراء مردم می‌گیرند. در عالم اسلام هم، کشور ترکیه نمونه خوبی است؛ به رغم حضور پررنگ مسلمانان در جامعه ترکیه و ارتباط وثیق میان سیاست و دیانت در این جامعه، سیاستمداران ترک، مشروعیت سیاسی خود را تنها از مردم و از طریق انتخابات می‌گیرند. روشنفکران دینی متأخر، با تأکید بر رابطه حقیقی پررنگ میان دین و سیاست در جامعه ایران کنونی، با طرح مقولات و مباحثی چون «انتظارات ما از دین» و «حکومت دموکراتیک دینی»؛

رابطه حقوقی میان دین و حکومت را نفی کرده، استدلال می کنند و توضیح می دهند که حکومت مشروعیت خود را از دین نمی گیرد و نباید چنین انتظاری از دین داشت و این آموزه ها را در آن سراغ گرفت. مطابق با رأی ایشان، مسلمانان نیز نظیر دیگر شهروندان کشورهای مختلف، تنها باید مناسبات و روابط سیاسی دموکراتیک خود را تنظیم کنند و آموزه های اخلاقی و حقوق بشری را پاس بدارند؛ چرا که کار حکومت ها اولاً و بالذات پرداختن به نیازهای اولیه نظیر مسکن، بهداشت، امنیت، معیشت... و پاسداشت هنجارهای جهانشمول اخلاقی و حقوق بشری است؛ پس از رفع حاجات اولیه مجالی برای پرداختن به نیازهای ثانویه نظیر علم، هنر، دین و معنویت... فراهم می شود. از این حیث، اگر حکومتی که در هر یک از جوامع مسلمان برپا می شود؛ دموکراتیک باشد و حقوق بشر را پاس بدارد و نیازهای اولیه شهروندان را رفع کند؛ به همه آنچه باید در قلمرو حکمرانی بپردازد، پرداخته؛ امری را مغفول نهاده است. مضافاً بر اینکه، چنین حکومتی با اتخاذ بی طرفی فرقه ای و مذهبی، مجالی را برای فراهم آوردن ایمان ورزی آزادانه، مختارانه و شورمندانه فراهم می آورد؛ ایمان ورزی ای که با طوع و رغبت و نه از سر اجبار محقق می شود؛ چنین ایمانی البته دل انگیز است و گرم و بر گرفتنی:

«و آن وقت من، مثل ایمانی از تابش «استوا» گرم/ ترا در سرآغاز یک باغ خواهم نشانید»^۷

روشنفکران و متفکرانی چون بازرگان متأخر، عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و عبدالله النعیم در جهان اسلام چنین درک و تلقی از نسبت میان امر دینی و امر سیاسی در جامعه دینی دارند.^۸

بنابر آنچه آمد، می توان چنین نتیجه گرفت که نحله روشنفکری دینی در مقام تبیین و دفاع از بشری و سکولار بودن معرفت دینی و به رسمیت شناختن قرائت های مختلف از دین و همچنین تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت و تبیین سکولاریزاسیون سیاسی در بیست سال اخیر، گامهای مهم و سرنوشت سازی برداشته و گره گشایی های نظری معتابهی کرده و طرح نوینی را در افکنده؛ طرحی که در میان متدینانی که در جامعه ایران زندگی می کنند، طنین انداز شده و مخاطبان در خور توجهی پیدا کرده است. چنانکه در می یابم، این بخش از این پروژه فکری-اجتماعی،

۷. سهراب سپهری، هشت کتاب، دفتر حجم سبز، شعر «به باغ همسفران»

۸. برای بسط بیشتر آراء این روشنفکران و متفکران، به عنوان نمونه نگاه کنید به:

سروش دباغ، آئین در آئینه: مروری بر آراء دین شناسانه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۸۷، مدخل ۷۱. همچنین نگاه کنید به محسن متقی، «دین، دموکراسی و روشنفکران مسلمان»، ایران نامه، سال ۲۷، شماره ۳-۲، ۱۳۹۱ شمسی، صفحات ۱۶۶-۱۸۵. همچنین نگاه کنید به:

Abdullahi An-Na'im (2008) *Islam and the Secular State: Negotiating the Future of Shari'a* (US: Harvard University Press).

درمقام نظر به نیکی انجام شده و بسط یافته و به جان مخاطبان نشسته، هر چند در مقام عمل هنوز نهادینه نشده؛ حتی در دوران موسوم به دوران هشت ساله اصلاحات نیز، به سبب مقاومت ها و مخالفت های شدید منتقدان روشنفکری دینی، ایده ها و آموزه های یاد شده، ترجمه اجتماعی و سیاسی نشد و درعمل محقق نگشت. برای تقریب به ذهن، شاید بتوان گفت کشورترکیه کنونی، نمونه کم و بیش موفق است از بکار بسته شدن آموزه های روشنفکران دینی در عرصه های اجتماع و سیاست. به تعبیر دیگر، اگر ایده های روشنفکران دینی ایرانی در جامعه ما محقق می شد؛ در همان مسیری قدم می نهادیم که ترکیه چندی است آغاز کرده.

تصور می کنم با بشری قلمداد کردن معرفت دینی و عرفی و سکولارانگاشتن امر سیاسی و دفاع از سکولاریسم سیاسی، چارچوب پروژه روشنفکری دینی متأخر به روشنی ترسیم شده است. اکنون، کسانیکه تعلق خاطر به این پروژه دارند، باید در دل ابعاد ترسیم شده این پروژه کار کنند و به نحو تخصصی در حوزه های مختلف آن فعالیت کرده و به بازخوانی انتقادی مؤلفه های گوناگون سنت دینی، نظیر فقه، الهیات، عرفان، فلسفه، اخلاق... بپردازند. مباحث و مقولاتی چون «نگاه اخلاقی به آموزه های فقهی»، «تلقی فلسفی و عرفانی از خدا در جهان مدرن»، «نسبت میان تجربه دینی و امر وحیانی»، «حجیت معرفت شناختی تجربه دینی و تجربه عرفانی»، «نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار»... در ذیل این پروژه می گنجند و پرداختن بدانها، این پروژه را به پیش می برد؛ پروژه ای که به نظر می رسد با در نظر گرفتن مختصات فرهنگی و دینی جامعه ایران کنونی، به رغم همه کاستی هایی که دارد، جدی ترین، رهگشایترین و کارآمدترین پروژه فکری و معرفتی موجود برای عبور از دوران گذاری است که با آن دست و پنجه نرم می کنیم. در عین حال پرداختن به حدود و ثغور سلوک عرفانی و معنوی و مؤلفه های نظری و عملی آن در جهان راز زدایی شده کنونی، از اموری است که روشنفکران دینی معاصر باید بیش از گذشته دلمشغول آن باشند؛ زیرا کسانی که جهانشان دگرگون شده و پیشینه معرفتی و مجموعه تصدیقات و معتقداتشان درباره امر متعالی دستخوش تغییر شده، نمی توانند عینا به سان گذشته سلوک معنوی خویش را در این زمانه پر تلاطم سامان بخشند. روشنفکران دینی، می توانند، با پیش چشم داشتن و پرداختن به تمامی مؤلفه های یاد شده، این پروژه کامیاب را تمام را به پیش برده و مخاطبان گسترده آن در جامعه کنونی ایران را از مواهب نظری و اجتماعی و فرهنگی آن، بیش از گذشته برخوردار کنند.